

## رشد اقتصادی

یکی از تحولاتی که از ابتدای شکل‌گیری علم اقتصاد مورد توجه اقتصاددانان بوده است، مسئله رشد اقتصادی است. با مطرح شدن تئوری آدام اسمیت و سایر کلاسیکها، مسئله سرمایه‌گذاری و تمرکز سرمایه به عنوان اصلی‌ترین عامل رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفت و همواره سعی نظریه پردازان اقتصادی بر این بوده است که عامل مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری را فراهم کنند.

معمولاً سطوح پایینی سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه به عنوان عمده‌ترین دلیل توسعه نیافتگی آنها ذکر می‌گردد. ر این اساس، اقتصاددانان برای تجهیز منابع سرمایه‌ای به دو روشی متوسط می‌شوند: ۱- کمک گرفتن از سرمایه‌های خارجی ۲- هدایت وجوه سرمایه‌ای موجود به سمت فعالیتهای صنعتی پربازده. بنابراین باید موانع و مشکلات موجود بر سر راه منابع سرمایه‌ای را مرتفع کرد.

## مفهوم رشد اقتصادی

بر طبق نظرات کیندلبرگر رشد اقتصادی به معنی تولید بیشتر است. رشد اقتصادی نه تنها ممکن است شامل تولید بیشتر از طریق استفاده بیشتر از مواد اولیه باشد بلکه به مفهوم افزایش کارائی تولید و افزایش میزان تولید به مقیاس مواد اولیه مورد استفاده نیز هست. بنابراین رشد اقتصادی به افزایش کمی و مداوم در تولید یا در آمد سرانه کشور از طریق ارتباط با افزایش در نیروی کار، مصرف، سرمایه و حجم تجارت اطلاق می‌شود.

## تمرکز سرمایه

یکی از عوامل در رشد اقتصادی تمرکز و یا انباشت سرمایه است. سرمایه به معنی ذخیره عوامل فیزیکی قابل تولید مجدد در روند تولید است. هنگامی که در طول زمان

ذخایر سرمایه افزایش می یابد این روند تمرکز سرمایه (تشکیل سرمایه) نام می گیرد.

جریان تمرکز و تشکیل سرمایه متوالی زنجیره ای از سه مرحله تشکیل می شود:

الف) وجود پس انداز واقعی و افزایش آن

ب) وجود موسسات اعتباری و مالی برای تشویق و تهییج پس اندازها و کانالیزه کردن این منابع در فعالیتهای اقتصادی مطلوب.

ج) استفاده از این پس اندازها برای سرمایه گذاری در کالاهای سرمایه ای. تمرکز سرمایه

یک عامل کلیدی در روند رشد اقتصادی است. از یک سو تمرکز سرمایه بر تقاضا اثر می

گذارد، و از سوی دیگر ایجاد کارائی تولید برای تولید آتی را خواهد کرد. به همین دلیل

تمرکز سرمایه و شتابان کردن روند آن برای افزایش تولید ملی بنحوی که بتواند با

افزایش جمعیت مقابله کند لازم است، سرمایه گذاری در کالاهای سرمایه ای نه تنها موجب

افزایش تولید ملی می شود بلکه امکان اشتغال را نیز افزایش می دهد. از رف دیگر بدون

تمرکز سرمایه کافی امکان توسعه تکنولوژی نیز وجود نخواهد داشت. پیشرفتهای

تکنولوژیکی خود سبب افزایش تخصصها و تولید در مقیاس انبوه می شود. همین طور

این تمرکز سرمایه است که سبب استفاده هر چه بهتر و مطلوبتر از منابع طبیعی به

منظور گسترش صنایع و بازارهای داخلی که پیشرفت اقتصاد ضروری هستند می شود.

بر اساس گفته های لوئیس نرخ تمرکز سرمایه در کشورهای در حال توسعه تنها ۵ درصد

است که می بایستی لااقل به سطح ۱۲ الی ۱۸ درصد برسد. برآوردهای کوزنتس نشان

می دهند که در طول دوران رشد اقتصادی نوین سرمایه ناخالصی تشکیل شده. در

کشورهای توسعه یافته بین ۱۱-۱۳ درصد و بیشتر بود. در حالیکه سرمایه تشکیل شد.

خالص بین ۶ الی ۱۲-۱۴ درصد بود. کوزنتس همینطور می نویسد: شاخصی سرمایه

اضافی به تولید (I.C.O.R) نقش مهمی در رشد اقتصادی نوینی ایفا نموده است. این

شاخص نمایانگر بهره‌وری سرمایه است. این شاخص نمایانگر مقدار سرمایه مورد نیاز برای تولید یک واحد اضافی تولید است. در کشورهای در حال توسعه معمولاً مقدار این شاخص زیاد است. چون نرخ ظرفیتهای به کار گرفته نشده در صنایع سرمایه‌بر به دلیل فقدان و کمبود عوامل مکمل تولید زیاد است. بنابراین به عقیده کوزنتس تلاش زیادی برای از بین بردن تنگناها بایستی صورت گیرد تا هر چه سریعتر مقدار این شاخص تقلیل یابد.

نهاد تولید، عرضه می‌شود همچنین، هر عاملی (مانند: افزایش نرخ‌های مالیات، بدتر شدن قوانین مالکیت، ... ) که انگیزه‌ها و منافع حاصل از سرمایه‌گذاری را می‌کاهد، نرخ رشد اقتصادی و پس انداز را نیز کاهش می‌دهد.

به هر حال، نهاده‌های عمومی ایجاد شده توسط دولت و مخارج آن در آموزش و پژوهش، حمل و نقل و ارتباطات و ...، بر بهره‌وری و تولید بنگاه‌های خصوصی و شرکت‌های دولتی تأثیر می‌گذارد، نهاده‌های مذکور به عنوان کالای غیررقیب استثناء ناپذیر، توسط دولت تولید و عرضه شده و بخش خصوصی انگیزه ای جهت تولید آن ندارد. از این رو، هر بخشی که قادر باشد تا از نهاده‌های عمومی فوق‌الذکر بیشتر بهره‌مند گردد؛ از تولید و بهره‌مندی بیشتر برخوردار خواهد بود.

#### بازارهای مالی و رشد اقتصادی

پایداری و تداوم رشد اقتصادی وابسته به جذب آثار رشد در اقتصاد و انعطاف پذیری نظام اقتصادی نسبت به شوک‌های داخلی و خارجی است. ساختار بازارهای چهارگانه اقتصاد (پول، سرمایه، کار و کالا) در ارتقای سطح بهره‌وری و شتاب رشید اقتصادی، موضوعی مهم به شمار می‌رود: به طوری که، اختلال در هر کدام از بازارهای فوق‌الذکر و عدم کارکرد صحیح آنها در حالت ساختار نامطلوب این بازارها، تخصیص بهینه منابع

و تصحیح قیمت‌های نسب عوامل تولید و ایجاد فضایی رقابتی را دچار مشکل می‌نماید. مجموعه عوامل فوق‌الذکر، فرآیند رشد و توسعه اقتصادی را به تأخیر می‌اندازد. در بین بازارهای مزبور، نقش بازارهای مالی، - شامل: بازار پول و سرمایه- در هر دوی مدل‌های رشد برون‌زا و درون‌زا مورد توجه قرار گرفته و به نقش و تأثیر مثبت آنها در رشد اقتصادی تأکید شده است. در مدل‌های سنتی با بنیادگرایی سرمایه‌ای، توسعه بازارهای مالی با تسهیل و تسریع تجهیز پس‌اندازها، نقش قابل ملاحظه‌ای در انباشت سرمایه دارد. در الگوهای جدید توسعه بازارهای مالی، بر نرخ پیشرفت فنی تأثیر می‌گذارد و از این طریق با تعیین درون‌زای آن، رشد را شتاب می‌بخشد. مطالعات متعددی که درباره رابطه بین رشد بازارهای مالی و رشد اقتصادی انجام یافته است: وجود رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار بین شاخص‌های توسعه بازار مالی و رشد GDP واقعی را تأیید می‌نماید.<sup>۱</sup>

شومپتر توسعه ساختار بازار مالی را به عنوان جزء لاینفک شد اقتصادی مورد اشاره قرار می‌دهد. جان هیکس توسعه بازار سرمایه را به عنوان علت اولیه انقلاب صنعتی در انگلستان می‌داند. گلداسمیت، مک‌کینون و شاول، کمیت و کیفیت خدمات ارائه شده توسط نهادهای مالی را در رشد و توسعه اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهد. پاتریک<sup>۲</sup> رابطه علی بین توسعه مالی و رشد اقتصادی را بررسی نموده و نتیجه می‌گیرد که جهت‌علیت با توجه به مراحل و درجه توسعه یافتگی تغییر می‌یابد. در مراحل و درجات اولیه رشد، توسعه بازار مالی، علت رشد اقتصادی بوده است؛ لیکن در مراحل بالاتر رشد اقتصادی، تأثیر آن بر رشد کم‌رنگ‌تر می‌شود. کینگ و لوین (۱۹۹۳) نیز معتقدند که کشورهای با

(Gold Smith, 1969)

(John Hicks, 1969)

(Shumpeter, 1991)

(Levin & Zervos

(King & Levin 1993)

(Shaw, 1973)

(Mckinnon, 1973)

... 1990)

<sup>2</sup>- Patrik (1966).

سیستم مالی پیشرفته، از تشکیل و تخصیص کاراتر سرمایه و در نتیجه نرخ‌های رشد بالاتری برخوردار می‌باشند. همچنین، بنا بر مطالعه این دو سطح اولیه توسعه مالی می‌تواند به عنوان شاخص پیش‌بینی کننده نرخ‌های آتی رشد اقتصادی باشد. مطالعه کینگ بیان می‌دارند که خدمات مالی عرضه شده توسط بازارهای مالی باعث گسترش فعالیت‌های نوآوری و بهبود کارایی می‌شود.

برای نیل به یک تصریح مناسب از اثر رشد بازار دارایی‌ها مالی بر رشد اقتصادی، ابتدا تصریح خاصی از تابع تولید ارائه خواهد شد. این تابع شامل: نیروی کار، سرمایه فیزیکی و در نهایت یک جزء اضافی به عنوان متغیری است که نشان دهنده وضعیت توسعه مالی می‌باشد.

مدل‌های رشد درون‌زا بر عواملی تأکید دارند که برای مسیر رشد بلندمدت اقتصاد تعیین‌کننده هستند؛ بنابراین، تکنیک‌های همپارچگی<sup>۱</sup> کاملاً مفید و قابل استفاده می‌باشند.

تصریح و برآورد تابع بلند مدت تولید کل می‌تواند تحت تأثیر سه عامل قرار گیرد: رشد سرمایه، رشد نیروی کار و پیشرفت فنی<sup>۲</sup> (شامل افزایش کارایی). در مدل‌های رشد نئوکلاسیک سعی بر آن بوده است تا رشد بلندمدت را به آثار متغیرهای تعیین‌کننده برون‌زا نسبت دهنده، که از آن جمله همین متغیر پیشرفت فنی می‌باشد. در مقابل، تئوری‌های رشد درون‌زا، رشد بلند مدت اقتصاد را فراتر از تغییرات متغیرهای برون‌زا، نظیر پیشرفت فنی می‌دانند. تفاوت مهم این دو نظریه آن است که آیا بازدهی به مقیاس در هر یک از توابع تولید، ثابت است یا فزاینده بنابراین، به طور ضمنی این نکته مطرح می‌شود که تغییرات فزاینده این متغیرها منجر به بازدهی غیرکاهنده در توابع تولید خواهند

1- Cointegration Technoques.

2- Technical Progress.

شد. بنابراین، مدل‌های رشد درون‌زا بخش‌هایی از اقتصاد را مشخص می‌کنند که سبب اثرگذاری بر مسیر رشد بلند مدت اقتصاد می‌شوند.

مطالعات انجام شده در اقتصادهای تازه صنعتی شده،<sup>۱</sup> نظیر: مطالعه کیم و لاو<sup>۲</sup>، نشان می‌دهند که یک از مهم‌ترین منابع رشد اقتصادی در کشورهای تازه صنعتی شده، انباشت سرمایه است.<sup>۳</sup> گفته می‌شود که در این کشورها بیش از ۸۰ درصد نرخ رشد تحت تأثیر عامل سرمایه و انباشت آن در اقتصاد بوده است. این نتیجه برخلاف یافته‌هایی است که در پنج کشور صنعتی شده به دست آمده است؛ چرا که در آنها مهم‌ترین عامل رشد، همان پیشرفت فنی ارزیابی شده است. در یک مطالعه تطبیقی میان سنگاپور و هنگ کنگ که یانگ<sup>۴</sup> انجام داده است، بار دیگر بر نقش انباشت سرمایه فیزیکی در اقتصاد سنگاپور و رشد آن تأکید شده است.

در اینجا سوال اصلی که باید به آن پاسخ داده شود، آن است که آیا رشد بازارهای مالی و توسعه و گسترش آنها می‌تواند به افزایش کارآیی سرمایه انباشت شده، بیانجامد و از سوی دیر، سبب افزایش نرخ پس انداز و بنابراین، ازدیاد نرخ سرمایه‌گذاری و در نهایت تراکم سرمایه گردد؟

توسعه مالی باید از دو سو بر رسد اقتصادی اثر داشته باشد. از یک سو، سبب توسعه بازارهای مالی داخلی می‌شود که می‌تواند به افزایش کارآیی در سرمایه انباشته شده، منجر گردد و از سوی دیگر، سبب افزایش نرخ پس‌انداز و بنابراین، ازدیاد نرخ سرمایه‌گذاری و در نهایت تراکم سرمایه می‌شود. بدیهی است که این امر ممکن است،

---

1- NICS

2- Kim and Lau (1993).

3- Newly Industrializing Economies.

4- Young (1992).

همیشه رخ ندهد. برای مثل، اگر پس اندازه‌ها بتوانند جذب دارایی‌های خارجی و سرمایه‌گذاری‌های خارج از کشور شوند، این حالت منتفی خواهد بود. در انگلستان، افزایش واسطه‌های مالی منجر به کاهش نرخ پس انداز داخلی در خلال دهه ۱۹۸۰ گردید. بنابراین می‌توان گفت که گسترش بازارهای مالی می‌تواند هم بر کارایی سرمایه انباشت شده و هم بر حجم انباشت شده آن مؤثر باشد. نکته بعدی که باید مورد توجه قرار گیرد، بحث مجرای اثر گذاری است. این مسئله‌ای است که مک کینون و شاول<sup>۱</sup> به آن اشاره کرده‌اند در حالی که این نکته اولین بار توسط گلداسمیت<sup>۲</sup> بیان شده بود. گلداسمیت ارتباط مثبت میان توسعه بازار مالی و سطح تولید ناخالص ملی سرانه را روشن کرده است. پس از وی، این نکته به شکل بسیار گسترده‌ای در سال ۱۹۹۱ توسط ربلو<sup>۳</sup> بررسی گردید. وی نوعی از تابع تولید را در نظر می‌گیرد که در آن برای سهولت محاسبات، تولید فقط تابعی از حجم سرمایه فرض می‌شود:

$$y_t = AF(k_t) \quad (1)$$

$y_t$  و  $k_t$  به ترتیب: نشان دهنده تولید و حجم سرمایه فیزیکی در زمان  $t$  می‌باشند و  $A$   $\Delta y$  و نرخ پس انداز  $(\frac{dk}{y})$  با  $s$  و در نهایت، نشان دهنده تولید نهایی سرمایه فیزیکی با

$\Phi$  خواهیم داشت:<sup>۴</sup>

$$\Delta y_t = \frac{dy_t}{y_t} F'(k_t) = As\Phi_t \quad (2)$$

<sup>1</sup> - Mackinon & Shaw (1973)

<sup>2</sup> - Gold Smith (1969).

<sup>3</sup> - Rebelo.

$$\Delta y_t = \frac{dy}{y} : \quad s = \frac{S}{Y} \quad dk = I = \frac{S}{y}$$

از معادله (۲) نرخ رشد محصول بر حسب نرخ پس‌انداز ( $S_t$ ) و تولید نهایی سرمایه فیزیکی ( $\Phi_t$ ) قابل حصول است. در این حال، مدل‌های مک‌کینون و شاو (۱۹۷۳) و کاپور<sup>۱</sup> اثر توسعه بازارهای مالی را بر افزایش رشد اقتصادی از طریق متغیر پس‌انداز ( $S_t$ ) نشان داده‌اند، اما گلدسمیت (۱۹۶۹) این اثر گذاری اثر رشد بازارهای مالی بر رشد اقتصادی) را از طریق افزایش کارآیی سرمایه فیزیکی  $\Phi$  توضیح داده است. مدل‌های جدید رشد دورن را اثر گذاری توسعه بازارهای مالی بر رشد اقتصادی را بیشتر از طریق افزایش در تولید نهایی سرمایه فیزیکی مطرح می‌نمایند؛ تا از طریق متغیر پس‌انداز.

تکنیک‌های همپارچگی به بحث درباره برآورد و تشخیص روابط بلندمدت میان متغیرها و بنابراین، درصد مشارکت آنها در رشد بلندمدت می‌پردازند. بکارگیری این تکنیک‌ها رد مطالعاتی، نظیر: بررسی و و مقدم<sup>۲</sup> در تابع کاب داگلاس مشهود است. این دو، علاوه بر متغیرهای متعارف کار و سرمایه، از یک متغیر اضافی برای نشان دادن وضع تجاری نیز استفاده کرده‌اند؛ و بر همین اساس، رشد تولید در طول دو دهه اخیر را برای کشور فرانسه به دست آورده‌اند. در اینجا، مفاهیم مشابهی از کار این دو به کمک گرفته شده و اثر توسعه بازار مالی بر مسیر رشد بلندمدت در اقتصاد ایران بررسی می‌گردد. برای این منظور، روابط همپارچگی بلندمدت میان متغیرهای لحاظ شده در تابع تولید و سهم هر یک از آنها در افزایش رشد اقتصادی، طی سال‌های مورد بررسی تحلیل می‌گردد.

1- Kopur (1981)

2- kopur (1981)



برای این منظور، بروابط همپارچگی بلند مدت میان متغیرهای لحاظ شده در تابع تولید و سهم هر یک از آنها در افزایش رشد اقتصادی، طی سال‌های مورد بررسی تحلیل می‌گردد.<sup>۱</sup> برای متغیر توضیح دهنده گسترش بایزار مالی از یک متغیر جانشین<sup>۲</sup> به عنوان متغیر اعتبار<sup>۳</sup> استفاده می‌شود.

تابع تولید را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

$$y_t = \Phi(\text{credit})^\gamma \cdot k_t \cdot L_t^B$$

درایو معادله  $y =$  محصول،  $k$  سرمایه فیزیکی،  $L$  نیروی کار و  $Cxedit$  متغیر اعتبار می‌باشد به طوری که  $\phi$  (Credit).

با مثبت شدن مشتق اول تابع فوق نسبت به متغیر اعتبار واضح است که اثر گسترده شدن بازار دارایی مالی بر رشد اقتصادی مثبت است. در ثانی چنانچه مدل بر حسب شکل لگاریتم آن تصریح گردد. متغیر  $\phi$  کشش اعتبار مالی نسبت به رشد اقتصادی است.

پیشینه تحقیق

۱- سید کاظم صد ر (۱۳۹۰). در اثر اعتبارات اعطائی بانک کشاورزی بر اررشی افزود. بخش کشاورزی را بررسی نموده است.

روشی که در مطالعه مذکور برای اندازه‌گیری اثر اعتبار بر تولید کشاورزی بکار گرفته شده بر مبنای فرایندی است که اعتبارات بر تابع سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه و نهایتاً بر محصول اثر خواهد گذاشت.

الگوی تدوین شده در این مطالعه شامل سه معادله ساختاری به شرح زیر است:

2- Proxy.

3- Credit.

الف: در معادله نخست، اثر اعتبارات بر سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی دیده شده است.

$$I_t = a_0 + a_1 y_t + a_2 \text{crd} + a_3 k_{t-1} + v_t$$

بک رابطه دوم اتحاد سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه را در بخش کشاورزی نشان می‌دهد.

$$K_t = I_t + (1 - \delta)k_{t-1}$$

ج: معادله سوم تابع تولید کل بخش کشاورزی است که اثر انباره سرمایه را بر کل ارزش افزوده بخش کشاورزی آشکار می‌سازد.

$$\text{Ln}y_t = b_0 + b_1 \text{Ln}I_t + b_2 \text{nk}_t + v$$

بدین ترتیب نقش اعتبارات بر ارزش افزوده از طریق تأثیر آن بر جریان سرمایه‌گذاری و تأثیر جریان اخیر بر انباشت سرمایه و بالاخره تأثیر انباشت سرمایه بر ارزش افزوده دیده شده است. متغیرهای بکار گرفته شده در این مدل عبارتند از:

$$I_t = \text{سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی}$$

$$y_t = \text{ارزش افزوده بخش کشاورزی}$$

$$\text{crd} = \text{اعتبارات بانک کشاورزی}$$

$$K_t = \text{انباشت سرمایه}$$

$$\delta = \text{نرخ استهلاک در بخش کشاورزی}$$

در این تحقیق روابط بین متغیرها در کوتاه مدت و بلند مدت بررسی شده است.

برای بررسی روابط بلند مدت بین متغیرهای مدل از روش هم‌جمعی استفاده شده است.

یعنی بردارهای هم‌جمعی بین متغیرهای هر معادله به روش جوهانسون - جوسیلیوس

بدست آمده و بر اساس بردارهای بدست آمده تحلیل‌های لازم صورت گرفته است.

همچنین به منظور استخراج روابط کوتاه مدت بین متغیرها، عبارت تصحیح خطای هر معادله بدست آمده و به عنوان متغیری برونزا در تک تک معادلات قرار داده شده است. سپس معادلات به روش 3SLS بطور همزمان مورد برآورد قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان داده است که در کوتاه مدت بطور متوسط به ازاء یک درصد افزایش در مبلغ اعتبارات بانک کشاورزی، ارزش افزوده این بخش به میزان ۰/۰۴۶ درصد افزایش یافته است. همچنین بر اساس نتایج حاصل، در بلند مدت به ازاء یک درصد افزایش در مبلغ اعتبارات، به طور متوسط ارزش افزوده به میزان ۰/۰۰۳ درصد افزایش می‌یابد. لازم به ذکر است که در تحقیق حاضر به منظور بررسی تأثیر اعتبارات بانک کشاورزی بر ارزش افزوده، کل مبلغ اعتبارات در تابع سرمایه‌گذاری وارد شده است و تأثیر این متغیر از طریق سرمایه‌گذاری بر متغیر ارزش افزوده دیده شده است. در صورتی که به نظر می‌رسد چون اعتبارات جاری بیشتر به منظور تهیه نهاده‌های تولید مورد استفاده قرار می‌گیرند تأثیر خود بر ارزش افزوده را از طریق تابع تولید نشان دهند. و اعتبارات سرمایه‌ای که به منظور انجام سرمایه‌گذاری در بخش مورد استفاده قرار می‌گیرند تأثیر خود را در تابع سرمایه‌گذاری بهتر نمایان سازند.

۲- حسینی حق پرست، بررسی تأثیر تسهیلات بانکی بر رشد ارزشی افزوده بخش صنعت و معدن- پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد- دانشگاه علامه روشی که در مطالعه مذکور برای اندازه‌گیری اثر اعتبار بر تولید بخش صنعت بکار گرفته شده بر مبنای فرایندی است که اعتبارات بر تابع سرمایه‌گذاری و نهایتاً بر محصول اثر خواهد گذاشت.

الگوی تدوین شدن در این مطالعه به شرح زیر است:

$$\Delta Y_t = g(\Delta L_t, \Delta K_t) \quad (1)$$

$$I_t^n = \Delta K_t = K_t - K_{t-1} \quad (2)$$

$\Delta K_t$  برابر است با سرمایه‌گذاری در زمان  $t$

$K_t$  عبارت است از انباشت سرمایه

در این مطالعه تغییر در مانده تسهیلات اعطائی بانکها به بخش صنعت به صورت یکی از پارامترهای اصلی در سرمایه‌گذاری خالص در بخش صنعت آورده شده است:

$$I_t^n = F(r_s, B_c) \quad (3)$$

$r_s$  نرخ یارانه اعتباری (از تفاضل نرخ سود بانکی از تورم در شاخصی تعدیل کنند. بخش بدست آمده است).

$B_c$  تغییرات مانده تسهیلات اعطائی

با توجه به معادله شماره (۲) معادله شماره (۳) را در داخل معادله شماره (۱) قرار داده

که رابطه زیر حاصل می شود.

$$\Delta Y_t = g[\Delta L_t, f(r_s, BC)] \quad (4)$$

$$\Delta Y_t = h(\Delta L_t, r_s, B_c) \quad (5)$$

با فرض خطی بودن تابع فوق مدل قابل تخمینی به صورت زیر در می آید:

$$\Delta Y_t = \beta_0 + \beta_1 \Delta L_t + \beta_2 r_s + \beta_3 BC + \beta_4 G_e + \varepsilon_t \quad (6)$$

که  $G_e$  نشان دهنده تغییر در هزینه‌های عمرانی دولت در این بخش است.

با رگرس کردن معادله فوق نتیجه زیر حاصل شده است.

$$RAN_t = 108.39 + 0.29RBF_{t-2} + 3.82RGE_{t-1} + \varepsilon_t$$

$$T \quad (7.8) \quad (3.13) \quad (3.73)$$

RAD = تغییر در ارزش افزوده حقیقی

RBF = تغییر در مانده بدهی حقیقی بخش صنعت و معدن به سیستم بانکی

RGE = تغییر در مخارج عمرانی حقیقی دولت در بخش صنعت و معدن

$$F = 9.69$$

$$R2 = 0.89$$

تفسیر رابطه فوق این است که با یک واحد افزایش در رشد تسهیلات بانکی به این بخش در زمان به میزان ۰/۲۹ واحد به رشد ارزش افزوده این بخش بعد از دو سال اضافه خواهد شد. همچنین رشد مخارج عمرانی دولت در زمان t پس از یک سال به میزان ۳/۸۲ واحد به رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن می‌افزاید.

۳- اداره بررسیهای اقتصادی. بررسی تاثیر اعتبارات بانکی بر سرمایه‌گذاری و تولید در اقتصاد ایران با تاکید بر بخشهای صنعت و معدن و کشاورزی در این مطالعه بررسی مسئله تاثیر تسهیلات اعطایی بر روی رشد و سرمایه‌گذاری در سطح کلان بعنوان اولیت مد نظر بوده در مرحله بعد بررسی مورد نظر در حوزه محدودتر زیر بخشهای خاصی اقتصادی دنبال شده است.

در این مطالعه سرمایه‌گذاری تابعی از متغیرهای اساسی اقتصاد یعنی تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری دوره قبل و متغیرهای تاثیر گذار دیگر مورد نظر یعنی تفسیر درمانده تسهیلات اعطایی بانکها و نرخ تورم فرضی شد.

در مطالعه حاضر به منظور کسب اطمینان از نتایج حاصل از برآورد معادلات کلیه سریهای زمانی (متغیرهای) مورد استفاده از نظر مانا بودن از طریق آزمون fuller Augmented Dicky مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

نتایج آزمون بیان کننده مانا نبودن متغیرهای تشکیل سرمایه ثابت و ارزش افزوده در بخش صنعت و معدن بصورت‌های ساده و لگاریتمی بوده است. بنابراین استفاده از متغیرهای فوق نتایج غیرقابل اعتمادی از برآورد معادلات حاصل می‌نمود. متغیرهای مذکور صرفاً در صورتی که بصورت تفاضل مرتبه اول و تفاضل لگاریتم طبیعی مرتبه اول محاسبه گردد، قابلیت مانا بودن پیدا می‌کردند که در این وضعیت نتایج معنی‌داری از برآورد معادلات بدست نمی‌دهند و مسئله مورد بررسی با مشکلات جدی برخورد می‌

نمود<sup>۱</sup> به منظور حل معضل فوق متغیر تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بخش صنعت و معدن بصورت نسبت متغیر فوق به ارزش افزوده بخش فوق محاسبه گردید (IMIR) که خوشبختانه با تبدیل آن به شکل فوق، سری زمانی بدست آمده وضعیت مانایی بخود گرفتند و بعلاوه در شکل لگاریتمی (LIMIR) هم مانا تشخیص داده شدند. بدین ترتیب معادله تشکیل سرمایه در بخش صنعت و معدن بصورت نسبت تشکیل سرمایه به ارزش افزوده و با توجه به متغیرهای تاثیر گذار بر روی آن مورد برآورد قرار گرفت.

معادله مربوط به دو شکل ساده و لگاریتمی برآورد شد که فرم لگاریتمی آن از نظر آماره‌های اقتصادسنجی در وضعیت بهتری بوده است. شکل اولیه معادله بشکل ذیل می باشد.

$$\text{LIMIR} = -0/54 + 1/163(\text{LBCRMI}) + 0/81\text{LIMIR}(-1) + 0/01\text{GCPI}$$

(-2/86)      (4/46)      (10/40)      (2/187)

$$\text{R}^2 = 0/88 \quad \text{F} = 43 \quad \text{الف)}$$

$$\text{R}^2 = 0/86$$

$$\text{SerialCorrelationLMTest} : \quad \text{f} = 0/020$$

LIMIR = لگاریتم طبیعی نسبت تشکیل سرمایه به ارزش افزوده بخش صنعت و معدن

LBCRMI = لگاریتم طبیعی تسهیلات عطایی به بخش صنعت و معدن به قیمت واقعی

GCPI = نرخ تورم

آزمون مربوطه خود همبستگی، نشاندهنده عدم وجود خود همبستگی می باشد. به منظور آزمون ثبات معادله برآورد شده (پسماندها)، آزمون مربوطه صورت پذیرفت که با مشاهده نمودار آن مشخص می شود که در ۱۳۶۷ پسماند حاصل از برآورد تقریباً مماس

با  $\pm 2$  درصد انحراف معیار می باشد که بیان کننده بروز احتمالی عامل بی ثباتی می باشد. بدین منظور آزمون Chow برای سال ۱۳۶۷ جهت آزمون احتمال وجود تغییر ساختاری در سال مورد نظر انجام پذیرفت که نتیجه آن تأیید ساختاری می باشد.

به منظور حل مسئله فوق متغیرهای مجازی برای سال ۱۳۶۷ و سال ۱۳۶۸ (تاثیر آن تا سال آینده) استفاده شد که نهایتاً باعث بهبود وضعیت معادله برآورد شده بود. در معادله تصحیح شده وجود همبستگی مرتبه اول تشخیص داده شد و اصلاح گردید.

$$\text{LIMIR} = -0/779 + 1/328D(\text{LBCRMI}) + 0/75\text{LIMIR}(-1) + 0/013\text{GCPI} - 0/43(D67) - 0/41R(1)$$

$$(-6/59) \quad (7/53) \quad (14/74) \quad (4/86) \quad -4/31 \quad -1/79$$

$$R^2 = 0/94 \quad F = 44$$

$$R^2_{-2} = 0/91$$

ب)

شایان ذکر است که متغیر مجازی بصورت عرض از مبدا می باشد و نهایتاً با رقم عرض از مبدا اصلی جمع میگردد. در معادله (ب) ملاحظه می گردد که ضریب متغیر تغییر درمانده تسهیلات اعطایی واقعی به بخش صنعت و معدن  $D(\text{LBCRMI})$  ۱/۳۲۸ میباشد. از آنجا که معادله بصورت تابع لگاریتمی خطی می باشد، لذا ضرایب بیان کننده کشش نیز می باشند با این تفاوت که در رابطه با متغیر مذکور تفسیر ضریب بصورت کشش ساده نمی باشد. بدین ترتیب که متغیر نه بصورت لگاریتمی بلکه بصورت تفاضل مرتبه اول لگاریتمی می باشد. همانطور که می دانیم در یک معادله خطی لگاریتمی مثل

$$\ln Y = \alpha + \beta \ln X$$

مفهوم کشش بصورت ذیل تعریف می شود.

$$\eta = \frac{\% \Delta Y}{\% \Delta X} = \frac{d \ln Y}{d \ln X} = \frac{100(\log(Y) - \text{LOG}(-1))}{100(\log(X) - \text{LOG}(-1))}$$

که در این صورت اگر معادله بصورت

$$\ln Y = \alpha + \beta d (\ln X)$$

تعریف شود، مخرج کسر بصورت تفاضل (یا در واقع تقسیم به مفهوم لگاریتمی آن) خواهد بود.<sup>۱</sup>

$$\eta = \frac{100(\text{LOG}(Y) - \text{LOG}Y(-1))}{100(\text{LOG}(X) - \text{LOG}X(-1) - 100(\text{LOG}(X(-1)) - \text{LOG}X((-2)))}$$

در این مفهوم ضریب ۱/۳۲۸ بدین مفهوم است که اگر یک درصد به درصد تغییرات سال قبل اضافه شود یعنی مثلاً چنانچه در سال قبل (t-1) رشد تغییر در مانده تسهیلات اعطایی واقعی به بخش صنعت و معدن ۱۰ درصد بوده باشد و در سال t این رشد به ۱۱ درصد برسد، در این صورت نسبت تشکیل سرمایه به ارزش افزوده بخش صنعت و معدن ۱/۳۲۸ درصد رشد خواهد داشت.

ضریب متغیر شکل سرمایه دوره قبل (LIMR(-1)، ۰/۷۵ می باشد، یعنی اگر تشکیل سرمایه دوره قبل یک درصد رشد کند، تشکیل سرمایه دوره t، معادل ۰/۷۵ درصد رشد خواهد کرد که بیان کننده حساسیت نسبتاً بالا بین در متغیر فوق می باشد.

متغیر نرخ تورم GCPI با اینکه دارای درجه معنی داری بالا می باشد، ولی ضریب آنها نسبتاً پایین می باشد (۰/۰۱۳) که نشان دهنده کشش پذیری پایین سرمایه گذاری در این بخش نسبت به متغیر نرخ تورم می باشد (خاطر نشان می سازد که مفهوم رشد با مفهوم لگاریتمی هماهنگ است و لذا ضرایب آن معادل با کشش می باشد).

در یک جمع بندی کلی از مطالب این بخش می توان گفت که تشکیل سرمایه در بخش صنعت و معدن نسبت به سرمایه گذاری دوره قبل کاملاً حساس بوده، بعلاوه نسبتاً به اعتبارات ریالی که به این بخش تزریق می گردد عکس العملی مثبت نشان می دهد و در



صورتی که تحلیل آن با مفهومی که قبلاً متذکر گردید انجام پذیرد، از حساسیت نسبتاً بالایی برخوردار می‌باشد. نرخ تورم با اینکه بر روی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در این بخش اثر مثبت می‌گذارد ولی دارای درجه حساسیت بالایی نمی‌باشد. ضمناً متغیر ارزش افزوده بخش صنعت و معدن بعلت درجه معنی‌دار پایین آن از معادله حذف شده است. شایان ذکر است که نسبت تشکیل سرمایه به ارزش افزوده در واقع بنوعی مسئله ارزش افزوده را در خود مستتر نموده است. مجموعه نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که اعطای تسهیلات بانکی در افزایش سرمایه‌گذاری و نهایتاً رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن اثر بخش بوده و چنانچه عوامل محدودیت‌زای مالی کاهش یابند، اثر مثبت بر کارایی بخش مذکور خواهد گذاشت.

۴- میترا رضا زاده (۱۳۸۰)، «اثر تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی بر تولیدات زراعی و باغی استان مازندران طی سالهای ۷۸-۷۲» را در پایان نامه خود مورد بررسی قرار داده است. در این تحقیق با استفاده از تابع تولید کاب-داگلاس، رگرسیونهای زیر تخمین زده شده است:

رگرسیون محصولات زراعی

$$TY_1 = 455.5 - 47/73x_1 + 125/97X_2 \quad R^2 = 0/038$$

$$\frac{\partial TY}{\partial X_1} = -47/73$$

$X_1$  = اعتبارات جاری (میلیون ریال)

$X_2$  = اعتبارات سرمایه‌ای (میلیون ریال)

$T_y$  = کل تولید محصول زراعی

بر اساس رگرسیون فوق اگر اعتبارات جاری یک میلیون ریال افزایش یابد، محصولات زراعی ۴۷۷۳۲ کیلوگرم کاهش خواهد یافت.

همچنین با توجه به مشتق  $\frac{\partial TY_1}{\partial X_1} = 125/97$ ، اگر اعتبارات سرمایه‌ای یک میلیون ریال

افزایش یابد، محصولات زراعی ۱۲۵۹۷۰ کیلوگرم افزایش خواهد داشت.

نتایج حاصل از تخمین رگرسیون محصولات باغی بصورت زیر است:

$$TY_2 = 100896 - 4/177X_1 + 12/397X_2$$

بدین ترتیب  $\frac{\partial TY_2}{\partial X_2} = -4/177$  است یعنی اگر اعتبارات جاری یک میلیون ریال افزایش

یابد، محصولات باغی ۴۱۷۷ کیلوگرم افزایش خواهد یافت و نیز  $\frac{\partial TY_2}{\partial X_2} = 12/397$  است.

اگر اعتبارات سرمایه‌ای یک میلیون ریال افزایش یابد، محصولات باغی ۱۲۳۳۹۷ کیلوگرم  
افزایش خواهد یافت.<sup>۱</sup>

سری زمانی مورد استفاده در این تحقیق سالهای ۷۸-۷۲ است که به نظری دوره زمانی  
بسیار کوتاهی در انجام چنین تحقیقی است. ضمناً با توجه به اینکه توابع مورد استفاده،  
کاب داگلاس است یا باید از مدل اصلی تابع که غیرخطی است یا از مدل لگایتمی تابع  
بصورت خطی استفاده شود و تحلیل‌های لازم صورت گیرد. ضمن آنکه هیچ اشاره‌ای به  
آزمون پایایی متغیرها و اطمینان از کاذب نبودن رگرسیونهای مربوطه نشده است.

نقش پس اندازی بیمه

به طور کلی رشد اقتصادی به افزایش کمی و مداوم تولید یا درآمد سرانه کشور اطلاق می شود. چهار عامل ۱- جمعیت ۲- منابع طبیعی ۳- سرمایه ۴- تکنولوژی، نقش اساسی در فراگرد رشد دارند که از میان سرمایه یا منابع حالی نقش بسیار مهمی ایفا می کند.

فراهم کردن سرمایه گذاری نیاز دارد و سرمایه گذاری نیز از محل پس انداز انجام می گیرد. پس انداز عنصر اساسی شکل گیری سرمایه گذاریهای اقتصادی و سرمایه گذاریهای اقتصادی نیز نیروی محرکه رشد اقتصادی است و بدین ترتیب افزایش پس انداز از اکمان رشد بیشتر اقتصادی را فراهم می نماید. از یک سو، سرمایه گذاریهای جدید به کارگیری منابع انسان و غیر انسانی را در جهت افزایش تولیدات امکانپذیر می کنند و بدین طرق دستیابی به هدف اشتغال کامل عوامل تولید را ممکن می سازند. افزایش تولید و عرضه کل باعث جلوگیری از رشد بی رویه فقیها می شود و مهارت برای تورم خواهد بود به این ترتیب هدف ثبات فقیها نیز قابل حصول می شود. از دیگر سو، افزایش پس انداز کی بخش بزرگی از آن متعلق به افراد ثروتمند جامعه است با شرط وجود فضایی سلام برای رقابت سرمایه گذاری از طریق ایجاد اشتغال و فرصتهای پیشرفت برای افراد کم درآمد جامعه و نیز از طریق کاهش نرخ تقدم به توزیع متناسب در آمدها و ثروتها کمک می کند. بدین ترتیب رشد و توسعه اقتصادی که منشأ آن پس اندازهای مالی بوده است، رفاه اجتماعی را به دنبال

خواهد داشت و این هدف اساسی دولتها را تأمین می کند. خدمات بیمه هم از حیث جمع آوری وجوه پس انداز و هم از لحاظ هدایت این پس اندازها به کانالهای صحیح سرمایه گذاری ممکن است به توسعه و رفاه اقتصادی کمک کنند بدون وجود عملکرد مناسب در هر دو بخش یاد شده صنعت بیمه نقش حیات بخش خویش در جهت ایجاد رفاه اقتصادی را ایفا نخواهد کرد. در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که بیمه های زندگی ( بیمه هایی که برای آینده طراحی می شوند) بیشتر نقش پس اندازی دارند. این نوع بیمه بدلیل اینکه در مورد حوادث، بیماریها آینده فرزندان و ..... پیش بینی های لازم را به عمل می آورد موجب رفاه است و امید به زندگی را در جوامع مختلف افزایش میدهد. و اثر مثبت و زندگی اجتماعی مردم دارد.

در کشورهایی که توانسته اند بازار سرمایه خود را توسعه دهند بیمه های زندگی اهمیت بیشتری داده اند ( چرا که مهلت پس اندازی دارد، بیشتر برای آینده است و کمتر به دولت تکیه دارد) به عبارت دیگر، در کشوری که از نظام تأمین اجتماعی دور شده است این نسبت بیشتر و در کشوری که به نظام تأمین متکی مانده این نسبت کمتر است.

در کشور ما نسبت حق بیمه زندگی به تولید ناخالص داخلی بسیار پایین است به عنوان مثال در سال ۸۱ نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی ۱/۰۲ درصد گزارش شده که این نسبت برای بیمه های غیر زندگی ۰/۹۲ درصد و برای بیمه های زندگی فقط ۰/۱ درصد است. یکی از دلایل این امر مسأله تورم

در کشور است. در زمان تورم، افراد سعی می کنند در قسمتهایی سرمایه گذاری کنند که سود را در کوتاه مدت بدست آورند و عملاً سرمایه گذاری برای اهداف بلند مدت کاهش می یابد. از این رو تورم بیمه هایی از قبیل بیمه عمر یا بیمه ساختمانی و سایر بیمه ها که جنبه بلندمدت داشته باشد را کاهش می دهد.

مروری بر تحولات صنعت بیمه در ایران

بیمه به شکل سنتی آن به مفهوم وجود نوعی تعاون و همیاری اجتماعی به منظور سد شکن کردن زیان فرد یا افراد معدود بین همه افراد گروه یا جامعه، در ایران سابقه این طولانی داشته و همواره مردم این مرز و بوم برای کمک به جبران خسارتهای ناخواسته یک که برای دیگر هموطنان و حتی مردم دیگر کشورها پیش می آید مغال و پیشگام بوده اند. با این وجود بیمه به شکل حرفه ای و اخوژی آن برای اولین بار در سال ۱۲۶۹ هجری شمسی در کشور ما مطرح شد. در این سال امتیاز فعالیت انحصاری در زمینه بیمه و حمل و نقل برای مدت ۷۵ سال به یک فرد تبعه روس بنام « لازار پولیاکوف » واگذار شد. اما نامبرده جهت آغاز فعالیت قادر به تأسیس شرکت بیمه مورد نظر نگردید و متعاقباً به تأسیس نمایندگی بیمه جهت بازدید و پرداخت خسارت در ایران کردند.

آغاز فعالیت جدی در زمینه بیمه را می توان سال ۱۳۱۰ هجری شمسی دانست  
چرا که در این سال قانون ثبت شرکتها تصویب شد و صورت قانونی و نظام  
نامه ای بخود گرفت.

در سال ۱۳۱۴ نخستین شرکت بیمه ایرانی به نام «شرکت سهامی بیمه ایران»  
با سرمایه بیست میلیون ریال توسط دولت تأسیس شد.

شرکت بیمه ایران در آغاز فعالیت، به ویژه با توجه به این که دولت نقش  
اساسی در شکل گیری و تداوم آن داشت، جهشی در صحنه بیمه ای کشور  
ایجاد کرد ولی تا سال ۱۳۲۶ تحول عمده ای بچشم نخورد. اولین اجبار در

زمینه بیمه مربوط به بیمه های باربری بود که به تصویب مجلس رسید و  
مقرر گشت که برای واردات حتماً باید در بانک گشایش اعتبار شود، با تأکید  
بر این نکته که فقط مؤسسات بیمه ای که در ایران ثبت شده اند می توانند  
چنین بیمه نامه هایی صادر کنند. این خود تحولی به حساب می آمد و  
فعالیت های اقتصادی را به سمت بیمه سوق داد.

در سالهای آغازین دهه ۱۳۴۰، ارقام مربوط به درآمد نفت، کم کم درشت  
و درشت تر شد و فروش نفت، نقش عمده ای در اقتصاد کشور پیدا کرد. از آن

سالها به بعد فعالیت بیمه ای رشد تدریجی داشت که در سال ۱۳۴۸ به دلیل  
افزایش وسائل نقلیه در کشور، قانون بیمه اجباری شخصی ثالث به تصویب  
مجلس رسید و در سال ۱۳۵۰ بیمه مرکزی ایران تأسیس شد.

قبل از تأسیس بیمه مرکزی ایران، فعالیتهای بیمه ای است و خیزهایی داشته و شرکتهای خارجی نیز فعال بوده اند. حدود هفت شرکت بیمه خصوصی نیز وجه داشت ولی این شرکتهای فعالیت جدی نداشتند چرا که ۷۵ درصد بازار در اختیار دولت بود و دولت هم بیمه خود را در اختیار شرکت سهامی بیمه ایران قرار میداد، یعنی شرکتهای خصوصی بیش از ۲۵ درصد بازار بیمه را در دست نداشتند. در سال ۵۳ قیمت نفت چهار برابر شد و افزایش شدیدی در درآمدهای نفتی کشور به وجود آمد. واردات بالا گرفت و سرمایه گذاریهای وسیع و شروع جدید استراتژی جایگزین واردات در کشور، باعث شد که بیمه در کشور توسعه یابد.

در سال ۱۳۵۷ به دلیل وقوع انقلاب اسلامی ایران، تقریباً فعالیت شرکتهای بیمه به حالت تعلیق درآمد. طی سالهای ۱۳۵۷-۱۳۶۷ خلاء بزرگی در صنعت بیمه به وجود آمد و در حالیکه در این دهه تمام دنیا در حال پیشرفت و توسعه بود، در ایران بیمه چندانى نداشت و در بلا تکلیفی به سر می برد. در سال ۱۳۶۷ قانون اداره شرکتهای بیمه در مجلس تصویب شد و از آن سال بود که تقریباً نظام بیمه ای کشور شکل گرفت، هر چند که ساختار مناسبی نداشت.

تا سال ۱۳۷۳ صنعت بیمه رشد خوبی داشت ولی این رشد تقریباً بی برنامه بود، تا اینکه اولین برنامه پنج ساله صنعت بیمه در سال ۱۳۷۳ تدوین شد.

اولین برنامه ۵ ساله صنعت بیمه با چشم اندازی مثبت در زمینه های تعمیم بیمه، توسعه فرهنگ بیمه، افزایش حق بیمه سرانه و افزایش نفوذ بیمه در کشور، در بیمه مرکزی ایران طراحی شد.

با این امید که طی ۵ ساله منتهی به سال ۷۷ به برخی از اهداف تعیین شده دسترسی پیدا کند. تحولاتی که در این صورت گرفت خوب اما نسبی بود. و سپس برنامه پنج ساله دوم به اجرا درآمد.

در شهریور ماه سال ۱۳۸۱ طرح تأسیس مؤسسات بیمه دولتی در مجلس شورای اسلامی از مرحله تصویب گذشت و پس از اصلاحات مورد نظر شورای نگهبان، قانون آن برای اجرا ابلاغ شد. در سال ۱۳۸۱ شرکتهای بیمه خصوصی در مناطق آزاد تأسیس شدند و اکنون دو شرکت بیمه سیستم و یک شرکت بیمه اتکایی در این مناطق فعالیت می کنند.

از سال ۱۳۸۲ نیز بیمه های غیر دولتی در تهران و با اجازه فعالیت در سراسر کشور کار خود را آغاز کرده اند. این شرکتها اگر چه در مقایسه با شرکتهای دولتی که از ده سال پیش در ایران فعالیت می کنند شرکتهای نوپایی هستند

اما در نخستین سال فعالیت چند ( در سال ۱۳۸۲) موفق شدن که حدود ۳ درصد از بازار بیمه کشور را به خود اختصاص دهند. انتظار می رود که شرکتهای غیر دولتی با توسعه فعالیت برای دریافت سهم بیشتری از بازار کشور سبب افزایش رقابت در این بازار شوند و علاوه بر شکستن انحصار چند شرکت دولتی بر بازار در نهایت چتر بیمه را در کشور بگسترانند.



آنچه اکنون لازم است تدوین یک برنامه عملیاتی برای چگونگی دستیابی به هدف خصوصی سازی است که متأسفانه تاکنون فاقد آن بوده ایم. باید بدانیم هدف نهایی از خصوصی سازی چیست؟ مکانیزم های اجرایی آن کدامند؟ بیمه مرکزی ایران برای تحقق نهایی آن چه اقداماتی را باید در پیش گیرد؟ برای مثال اتحادیه اروپا ۱۰ الی ۱۵ سال قبل از اینکه موجودیت رسمی پیدا کند، قوانین و مقررات و آئین نامه های مالی، بانکی، پولی، بیمه الی و ... خود را تدوین نمود و به نقد کارشناسی گذاشت و نهایی کرد. در حالیکه ما بعد از تصویب قانون، هنوز اهداف خصوصی سازی و فرآیند آنرا شخصی نکرده ایم و هیچ کس نمی داند تا ۵ سال آینده چه برنامه و مراحل کاری وجود دارد و به کجا خواهیم رسید؟

خصوصی سازی چند جنبه دارد که همگی باید به صورت مندون و هماهنگ با هم انجام شوند در غیراین صورت به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید. در حال حاضر در بخش صدور مجوز برای تأسیس شرکتهای بیمه خصوصی به سرعت در حال جلو رفتن هستیم یعنی از یکسال گذشته تاکنون ۱۱ شرکت بیمه خصوصی را به ثبت رسانده ایم ولی در بقیه بخشها مانند بستر سازی برای آئین نامه ها، قوانین و مقررات و ... اصلاً با همان سرعت پیش نرفته ایم. یعنی تمام جنبه های خصوصی سازی در صنعت بیمه موزون هماهنگ و همزمان جلو نرفته است. ما در ایجاد زمینه های لازم برای خصوصی سازی به طور کامل عقب هستیم فقط در جنبه صدور مجوز سرعت داشته ایم. جنبه

های نظارتی ما اصلاً تغییر نکرده است و در بحث آئین نامه ها و مقررات  
کنترلی، اهداف، سودآوری و سایر موارد پیشرفتی نداشته ایم. در این قسمت  
به مواردی اشاره می کنیم که باید به تدریج در جهت ایجاد فضای رقابتی در  
بازار بیمه نسبت به بررسی و انجام آنها اقدام شود:

### ۱- ایجاد نظام جامع آماری صنعت بیمه

بیمه بر اساس تئوری احتمالات و قانون اعداد بزرگ استقرار است. بیمه گر  
باید بتواند تعداد زیادی از ریسکهای مشابه و متجانس را در هر طبقه از  
ریسکهای بیمه شده جمع آوری کند تا پرتئوری متعادل داشته و بتواند بر این  
اساس حق بیمه را محاسبه نماید. هم اکنون شرکتهای بیمه آمارهایی را تهیه  
می نمایند که این آمارها فاقد یک برنامه ریزی آماری جهت استفاده برای  
محاسبه نرخ بیمه طبقات مختلف ریسک است. لذا برنامه ریزی نظام جامع  
آمار برای کل صنعت بیمه از ضروریات است. در این خصوص لازم است  
بیمه مرکزی ایران آئین نامه نظام جامع آماری را تدوین کرده و پس از  
تصویب شورای عالی بیمه به شرکتهای بیمه ارائه دهد. چون مهم ترین ابزار  
صنعت بیمه برای کلیه تصمیم های فنی در هر رده، در اختیار داشتن، آمار و  
اطلاعات است.

### ۲- روز آمد شدن تعرفه ها

روش نظارتی بیمه مرکزی ایران در حال حاضر تعرفه ای است. رعایت  
نرخهای مندرج در تعرفه های مصوب شورای عالی بیمه به عنوان حداقل نرخ

از طرف کلیه شرکتهای بیمه الزامی است و در مواردی که برای یک ریسک خاص نرخ در تعرفه پیش بینی شده باشد باید شرکت بیمه نرخ مورد نظر خود را به تأیید بیمه مرکزی ایران برساند. در بسیاری از بازارهای بیمه ای هم اکنون سیستم نظارت مالی (حد توانایی ایفای تعهدات<sup>۱</sup>) جایگزین نظارت تعرفه ای شده است. در یک بازار رقابتی نظارت تعرفه ای کارایی مطلوب را ندارد و کنترل آن مشکل است.

با ورود بخش خصوصی به صنعت بیمه کارایی تعرفه کاهش می یابد چرا که شرکت بیمه خصوصی می خواهد با ارزیابی دقیق ریسک و تضمین حق بیمه فنی و کنترل هزینه ها نرخ رقابتی را به مشتری عرضه نماید و با ارائه خدمات مطلوب رضایت مشتری را جلب کند. در حالیکه وجود تعرفه از ابتکار عمل بخش خصوصی می کاهد. نظارت مالی شرکت بیمه در تعیین حق بیمه آزادی عمل دارد و می تواند هر نرخ را که فنی می داند در جو رقابتی اعمال نماید. ارگان نظارتی زمانی وارد عمل می شود که شرکت از نظر مالی دچار مشکل شود.

تعرفه های فعلی کارایی مطلوبی ندارند، زیرا تعرفه ای کارایی مطلوب دارد که هر دو سال یکبار مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد در حالیکه تعرفه های فعلی اولاً ناقص هستند، ثانیاً مدت طولانی است که اصلاح نشده اند. بنابراین تعرفه ها باید در اولین فرصت مورد بازبینی قرار گیرند و با توجه به آمار و

---

<sup>1</sup> - Solvency Margin

اطلاعات کارفردها و هزینه های بازار ۵ سال گذشته اصلاح شوند تا فضای رقابتی مناسبی برای صنعت بیمه‌رو به تحول ایجاد شود.

مطلب دیگر حق بیمه ریسکهایی است که در تعرفه برای آنها نرخ پیش بینی نشده است. با توجه به مقررات برای این دسته ریسکها، شرکت بیمه باید نرخ خود را به تأیید بیمه مرکزی ایران برساند. در این زمینه تاکنون برای شرکتهای دولتی مشکل جدی پیش نیامده است چرا که با هماهنگی و تشکیل جلسات، نرخ و شرایط پیشنهادی مورد بررسی قرار گرفته و بیمه نامه صادر شده است.

این شیوه در بازار رقابتی با حضور بخش خصوصی عملاً قابل اجرا نیست. شرکت بیمه باید بتواند در اولین فرصت نرخ و شرایط خود را به مشتری اعلام کند. در یک بازار رقابتی تصمیم گیری باید در یک فاصله زمانی کوتاه انجام شود. یکی از روشهایی که می توان برای حل مشکلاتی نظیر این مسأله به کار گرفت، فعال شدن سند و؟؟ بیمه گران است.

در بازار رقابتی، بیمه گران به دنبال جذب مشتری هستند و بیمه گذار هم به دنبال تأمین پوشش مورد نیاز خود از بیمه گری است که پایین ترین نرخ را برای مطلوب ترین پوشش پیشنهاد نماید. معمولاً شرکتهای بیمه بخصوص شرکتهای بیمه کوچک، برای حفظ سهم خود از بازار سعی در شکستن نرخهای تعرفه را دارند. این در حالی است که تعرفه ها مدت مدیدی است که با توجه به تحولات بازار سرد بازنگری قرار نگرفته اند. پیشنهاد می شود که

تعرفه ها روز آمد شده و با شرایط جدید بازار تطبیق داده شوند و بیمه مرکزی ایران بر اجرای آن نظارت نماید.

### ۳- بازدید اولیه، مدیریت ریسک، ارزیابی خسارت

گاهی میزان و نحوه پرداخت خسارت موجب عدم رضایت بیمه گذاران است و همین امر هندی رشد و توسعه بیمه را به طور جدی سر می کند. تأخیر در پرداخت خسارت ممکن است دلایل عدیده ای داشته باشد که نداشتن، پرسنل متخصص و ارزیاب خسارت یکی از آنهاست. در صدور بیمه نامه توجه جدی مبذول نمی شود. اطلاعات ناقص است، گزارش بازدید اولیه کامل نیست چک لیست بازدید موقت تکمیل نشده. در حقیقت بیمه گذار نیز بعضاً نه نیاز بیمه ای خود در می داند و نه قادر است اطلاعات مورد نیاز بیمه گر را در اختیار او قرار دهد. از طرفی بیمه گر نیز به تنهایی قادر نیست همه این اقدامات را رأساً انجام دهد.

شرکتهای مدیریت ریسک و ارزیاب خسارت بهترین امکانات در این خصوص هستند. اگرچه فعالیت این نوع شرکتهای قبلاً هم منع قانونی نداشته ولی بخش دولتی در رفتار با این وزیر خدمات با احتیاط عمل می کند. این در حالیست که با رقابتی شدن بازار استفاده از خدمات آنها وسعت خواهد یافت. بنابراین انتظار میرود بازار آینده تعدادی از شرکتهای مدیریت ریسک و ارزیابان حرفه ای خسارت را به خدمت گیرد. صنعت بیمه بهتر است فضای مناسبی را برای فعالیت این قبیل شرکتهای فراهم نماید

#### ۴- واسطه های فروش و بازار یابان.

بیمه را باید فروخت. به ندرت کسی برای خرید بیمه نامه مراجعه می کند. مشتری فقط برای خرید بیمه های اجباری نظیر شخصی ثالث مراجعه می نماید. سایر انواع متنوع بیمه ها را نمایندگان، کارگزاران و بازاریابان با مراجعه به تک تک مشتریان با ایجاد انگیزه و تقاضا می فروشند.

شرکت بیمه مستقیماً بیمه نامه صادر نمی کند بلکه مشتریان عمدتاً نیاز بیمه های خود را از شبکه فروش تهیه می نمایند. اکنون شبکه فروش شرکتهای بیمه دولتی گسترده است ولی با ورود بخش خصوصی باید برنامه ریزی جامعی برای توسعه این شبکه به همراه آموزش و کارمندی آنها بخصوص باری بیمه های اشخاص انجام گیرد. در حقیقت بجای گسترش این شبکه از نظر تعداد نمایندگان و کارگزاران حقیقی و حقوقی بهتر است برنامه ریزی به نحوی باشد که تعدادی شرکتهای نمایندگی کارگزاران بزرگ داشته باشیم و آنها بتوانند بازار یابان و فروشندگان حرفه ای را انتخاب و تربیت کنند.

تجربه کشورهای موفق را امر فروش بیمه نشان می دهد که فروشندگان و بازار یابان مهمترین نقش را در جذب مشتری دارند. یک فروشنده و بازار یاب حرفه ای به درستی می داند که مشتریان خود را چگونه انتخاب کند، بیمه مورد نظر را در چه زمانی و به چه نحوی عرضه نماید. در بخش وصول و جمع آوری حق بیمه نیز واسطه ها نقش بسیار مؤثری دارند بخصوص در بیمه های عمر و هم چنین در مورد یادآوری به مشتریان برای تجدید بیمه

نامه خود. در نهایت چون واسطه های بیمه اطلاعات جامع و کاملی از دو طرف قرارداد (بیمه گر و بیمه گذار) داشته و از دانش فنی و حرفه ای کافی برخوردارند، متناسب با نیاز بیمه گذار و پوشش مطلوبی برای بیمه گر تهیه می کنند. بنابراین واسطه های بیمه و گسترش، تعمیم و بسط بیمه نقش ارزنده ای ایفا می کنند. برنامه ریزی، سازماندهی و تجدید نظر در مقررات واسطه گری بیمه با آغاز فعالیت بخش خصوصی ضرورت دارد.

#### ۵- فراگیر شدن بیمه

صنعت بیمه با توجه به ساختار دولتی و بورد کراسی حاکم بر شرکتهای بیمه که اجتناب ناپذیر است توانسته خدمات شایان توجهی را به بازار عرضه نماید ولی به هر حال آزادی عمل شرکت بیمه دولتی محدود باشد.

شرکت بیمه دولتی به راحتی نمی تواند نیروی انسانی مورد نیاز خود را استخدام کند، پرداختها در چارچوب قانون است. نمی تواند به سادگی از خدمات مشاوره و کارشناسی بازنشستگان صنعت بیمه استفاده نماید و از این قبیل محدودیتها، بخش خصوصی این محدودیتها را ندارد. با ورود بخش خصوصی اختیارات شرکتهای بیمه دولتی نیز باید مورد تجدید قرار گیرد، تا فضای رقابتی کاملی بر بازار حاکم شود.

در انی راستا بیمه را باید گسترش داد. آنها با شناخت نیازهای طبقات مختلف جامعه متناسب با توان مالی آنها. فراگیر شدن بیمه موجب کاهش هزینه های رفاهی دولت می شود.

باید از گسترش سازمانهای رفاهی دولتی و نهادهای ارائه کننده خدمات و کمک های اجتماعی اجتناب شود و به مصلحت و حرفه جامعه است که این بار روی روش صنعت بیمه بازرگانی باشد.

#### ۶- سرمایه گذاری ذخایر و منابع مالی شرکتهای بیمه

بین دریافت حق بیمه و ایفای تعهد از طرف شرکت بیمه، فاصله زمانی قابل توجهی وجود دارد، بخصوص در بیمه های عمر و پس اندازی که بخش عمده ای از حق بیمه وضعیت پس اندازی دارد و بخش کوچکی از آن حق بیمه ریسک است. شرکت بیمه به بخش پس اندازی آن بر اساس نرخ بازدهی سرمایه در بازارهای مالی سود می دهد. تعهد شرکت بیمه نیز در طول اعتبار قرار دارد-یا حتی پس از تحقق خطر تا زمان پرداخت خسارت به دلیل تورم، عوامل دیگر افزایش می یابد.

بنابراین منابع مالی عظیمی تحت عنوان ذخایر قانونی، ذخایر ریاضی، ذخایر خسارتهای معوقه، ذخایر احتیاطی و ..... در اختیار شرکتهای بیمه است. اصل و بخش عمده ای از درآمد ناشی از این منابع مالی به بیمه گذاران و بیمه شدگان هر رشته بیمه ای تعلق دارد که باید در زمان مقرر به صورت تعهدات شرکت بیمه برگشت داده شود. به همین دلیل مدیریت پر تعوی سرمایه گذاری برای شرکتهای بیمه اهمیت فراوانی دارد. از آنجائی که ایفای تعهدات شرکتهای بیمه پس از تحقق خطر بیمه شده میسر است و زمان آن شخص نیست، به همین منظور شرکت بیمه باید نقدینگی کافی روز مره ای را برای



انجام تعهدات خود داشته باشد، یا بخشی از سرمایه گذاریهای آن از نوعی باشد که به سهولت قابل تبدیل به وجه نقد باشد، لذا شرکتهای بیمه در بازارهای مالی برای حضور پر تقوی سرمایه گذاری تشکیل می دهند. از طرف دیگر ارگان نظارتی جهت حفظ حقوق بیمه گذاران و بیه شدگان بر این سرمایه گذاری ها باید نظارت کامل داشته باشد. حفظ تعادل پر تقوی سرمایه گذاری و نظارت بر آن بسیار مهم است. در ایران آئین نامه سرمایه گذاری مؤسسات بیمه مصوب شورای عالی بیمه و نظارت آن با بیمه مرکزی ایران است. این آئین نامه از جمله آئین نامه هایی است که باید مورد نظر کارشناسی قرار گرفته و با توجه به ساختار بازارهای مالی فعلی روز آمد شود. بخش خصوصی به دلیل اهمیت سرمایه گذاری، بر تقوی سرمایه گذاری خود را مدیریت بهینه می کند و حداکثر تلاش خود را در جهت افزایش بازدهی سرمایه گذاری ها انجام می دهد. در همین راستا، باید تا حدودی آزادی عمل لازم به شرکتهای بیمه داده شود تا بتوانند خلاقیت و نوآوری داشته باشند ضمن اینکه حقوق بیمه گذاران نیز حفظ شود.

#### ۷-قانون و مقرارت جدید

قانون بیمه در سال ۱۳۱۶، قانون بیمه مسئولیت وزن داندگان و سائل نقلیه موتوری زمینی سال ۱۳۴۷، قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری مصوب سال ۱۳۵۰، قانون ملی شدن مؤسسات بیمه در سال ۱۳۵۸ و قانون نحوه اداره شرکتهای بیمه در سال ۱۳۶۷ به تصویب رسیده است. صنعت بیمه

در جهان بخصوص در سالهای اخیر تحولات چشمگیری داشته است به طوری که آزاد سازی و خصوصی سازی موجب اصلاح و تغییر قانون و مقررات بیمه ای شده است. این تغییر عمدتاً آزادی عمل شرکتهای بیمه را توسعه داده و نظارت دولت را نیز جدی تر کرده است. حضور صنعت بیمه در بازارهای مالی به همراه صنعت بانکداری و بازار سهام در شکوفایی اقتصاد کشورها نقش ارزنده ای داشته و همکاری این سه عنصر بازارهای مالی موجب شده است نقش مکمل یکدیگر را ایفا کنند. بخشی از عملیات بانکی را بیمه ها انجام می دهند که بیمه های اعتباری و تفسینی از این دسته اند. بانکداری نیز به ارائه خدمات بیمه ای کمک شایانی می نماید. ریسک های مالی در بررسی عرضه می شود. امروزه شرکتهای بیمه در جهان خود را تا برداشته و بر اساس نیاز مشتری خدمات را عرضه می نمایند. در این خصوص قوانین و مقررات هند را بر اساس تحولات بازار تعدیل کرده اند. بنابراین بازار بیمه ما نیز نیازمند اصلاح و قوانین و مقررات است. شاید ضروری نباشد همه قوانین و مقررات را فوراً اصلاح کنیم بلکه باید یا برنامه ریزی و تضمین اولویت با توجه به تحولات آینده، ابزارهای قانونی را نیز فراهم کنیم و کلیه فعالیت بازار بیمه می توانند در برنامه ریزی و طراحی آن نقش ایفا کنند

#### ۸- آئین نامه نظارت مالی

هم اکنون شیوه نظارتی بیمه مرکزی ایران نظارت تعرفه ای با شروع فعالیت بخش خصوصی بیمه، نظارت تعرفه ای هم دشوار خواهد بود و هم کارایی مطلوب را ندارد، ولی اجتناب ناپذیر است باید در بدو ای با نظارت تعرفه ای بازار را نظم داد مشروط بر اینکه تعرفه ها مورد تجدید نظر قرار گرفته و بر اساس آمار و اطلاعات سالهای اخیر نرخ طبقات ریسک تعیین شده و به تصویب شورای عالی بیمه برسد. به نظر می رسد همزمان با نظارت تعرفه ای با تعرفه های جدید، مناسب است که آئین نامه نظارت مالی نیز تهیه و تصویب شود. در این خصوص می توان از تجربه کشورهای مشابه استفاده کرد. در نظارت مالی فعالیت شرکت بیمه با فرائب خاصی سنجیده می شود و مرز این فرائب در حقیقت خط قرمز محسوب می شود که نشان میدهند شرکت بیمه در حاشیه امنیت مطلوب قرار دارد یا خیر؟ هم چنین آیا توانایی مالی ایفای تعهدات خود را دارد؟

#### ۹- آئین نامه احراز صالحیت فنی و مالی مدیران شرکتهای بیمه

بیمه عمدتاً مدیریتی است. مدیران و نیروی انسانی متخصص و ماهر در مقایسه با منابع مالی درجه اهمیت بالاتری دارند. چون اصل بر این است که شرکت بیمه از محل جمع آوریه بیمه از جامعه کثیر بیمه گذاران هر رشته پر تقوی را تشکیل می دهد و منابع مالی حاصله را در بازار سرمایه به کار انداخته و در زمان تحقق خطرهای بیمه شده به بخشی از جامعه بیمه گذاران،

خسارت پرداخت می کند و در بیمه های عمر سرمایه بیمه نامه را به بیمه شده یا استفاده کننده از بیمه نامه پرداخت می نماید. در حقیقت کار اصلی بیمه گر اداره یک نوع صندوق، سرمایه لازم است ولی کافی نیست. مدیریت مهم ترین ابزار اداره یک شرکت بیمه به طور حرفه ای است. به همین دلیل است که در ارزیابی سهام شرکتهای بیمه ارزش ویژه را که ناشی از در اختیار داشتن نیروی انسانی متخصص و ماهر است را در نظر می گیرند. از آنجایی که مدیران نقش اصلی را در اداره یک شرکت بیمه به طور حرفه ای در بازار رقابتی دارند بنابراین باید دارای صلاحیت فنی و مالی در حد قابل قبولی باشند. به نظر میرسد ضروری باشد که حداقل شرایطی برای احراز مدیریت در شرکتهای بیمه تضمین شود.

#### ۱۰- نقش بیمه مرکزی ایران.

صنعت بیمه رقابتی نیازمند نظارت و کنترل دولت است. بیمه مرکزی ایران با در اختیار داشتن ابزارهای قانونی، هدایت صنعت بیمه رابطه از ورود بخش خصوصی به صحنه فعالیت با قدرت تمام بیش از گذشته به عهده گرفته و فعالیت این صنعت را در بازار رقابتی سالم در جهت توسعه و گسترش هدایت می کند.

مسئولیت اصلی بیمه مرکزی ایران حمایت از منافع بیمه گذاران و بیمه شدگان است. باید اطمینان حاصل شود که بیمه گذاران و سایر اشخاص ذینفع در قراردادهای بیمه ای، خسارت و غرامت خود را بدون هیچگونه تأخیر دلیل غیر

موجه دریافت می دارند. نقش دیگر بیمه مرکزی ایران توجه جدی به بازارهای مالی در خصوص سرمایه گذاری صنعت بیمه است. در حقیقت شرکتهای بیمه دارای حجم عظیمی از سرمایه حاصل از حق بیمه، ذخایر ریاضی و فنی در بیمه های عمر و غیر عمر هستند. چنین حجم عظیمی از منابع مالی نه تنها از نقطه نظر حفظ حقوق بیمه گذاران، بلکه به منظور کمک به رشد و توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال در کشور اهمیت به سزایی دارد که باید در مسیر صحیح سرمایه گذاری و هماهنگ با برنامه ریزی کلان دولت هدایت شود. بیمه مرکزی ایران علاوه بر کنترل و ایجاد هماهنگی در فعالیت و سرمایه گذاری شرکتهای بیمه، نحوه تأسیس شرکتهای بیمه جدید، تهیه تعرفه ها، آئین نامه ها، دستورالعمل ها، بخش نامه ها و تنظیم و تصویب مقررات برای فعالیت کارگزاران و نمایندگان بیمه، جلوگیری از رقابت ناسالم را نیز به عهده دارد. اگر ورود بخش خصوصی به بازار تحت مقررات صحیح و دقیق به درستی هدایت نگردد و تهمیدات لازم اندیشیده نشود تحولات ایجاد شده ممکن است منجر به نابسامانی شود.

بررسی شاخصهای ارزیابی فعالیت صنعت بیمه طی سالهای ۱۳۸۱-۱۳۵۰ یکی از شاخصهای مهمی که نشاندهنده وضعیت بیمه در یک کشور می باشد، شاخص « حق بیمه سرانه» است. حق بیمه سرانه از تصمیم حق بیمه کل به جمعیت کشور بدست می آید. این شاخص نشان می دهد که هر فرد سالانه چه

مقدار صرف بیمه می کند. هر چه متوسط وجه صرف شده بیمه بیشتر باشد،  
بین آشنایی بیشتر مردم و اهمیت بیمه در نزد آنان است.

شاخص دیگری که نقش صنعت بیمه را در یک اقتصاد نشان می دهد، «نسبت،  
حق بیمه دریافتی به تولید ناخالص داخلی» است. از آنجا که بیمه جزء  
فعالیت‌های خدماتی به شمار می رود از هر چه یک کشور در مراحل بالاتری از  
پیشرفت و توسعه قرار داشته باشد نسبت مزبور در آن کشور بالاتر است.

برای بررسی تغییرات حق بیمه سرانه، نمودار مربوط به دوره ۱۳۷۰-  
۱۳۸۱، ۱۳۵۰-۱۳۷۱ تقسیم شده است تا نوسانات ایجاد شده بهتر نشان داده  
شوند.

طی دوره ۱۳۷۰-۱۳۵۰ حق بیمه سرانه نوسانات بیشتری را نسبت به دوره  
۱۳۸۱-۱۳۷۱ نشان می دهد. که عمدتاً مربوط به سالهای ۱۳۶۷-۱۳۵۷ می  
باشد. علت چنین نوساناتی به تغییرات حق بیمه دریافتی بر می گردد. وقوع  
انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از  
آن، بازار بیمه کشور را تحت تأثیر قرار داد. توقف فعالیت کارخانجات و  
واحدهای اقتصادی، موجب رکود نسبی در اقتصاد کشور گردید و در نتیجه  
رشد منفی حق بیمه را در سال ۱۳۵۸ موجب شد.؟؟ با تثبیت ارضاع سیاسی-  
اقتصادی کشور از سال ۱۳۵۹ مجدداً روند حق بیمه دریافتی سیر صعودی  
بخود گرفت و این روز تا سال ۱۳۶۲ ادامه یافت.

شروع جنگ در شهریور ۱۳۵۹، محاصره اقتصادی کشور و متعاقب آن کاهش قیمت جهانی نفت از سال ۱۳۶۳، شرایط ویژه ای را به اقتصاد کشور حاکم کرد. با این وجود صنعت بیمه توانست با ارائه پوششهای بیمه ای جدید، مانند بیمه خطر جنگ، بیمه دیه وامثالهم و نیز گسترش پوششهای بیمه ای موجود، از کاهش شدید حق بیمه جلوگیری نموده و بازار بیمه کشور را تا سال ۱۳۶۶ در حالت ثبات نسبی نگه دارد.

از سال ۱۳۶۸ شاهد آغاز دوران جدیدی در روند رشد حق بیمه بازار می باشیم به طوریکه متوسط نرخ رشد حق بیمه دوره ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۰ به حدود ۵۰ درصد بالغ می گردد عمده ترین دلایل این رشد را می توان به شرح زیر بر

شمرد:

- ۱- پایان یافتن جنگ و آغاز دوران سازندگی
- ۲- شروع و یا اتمام بسیاری از پروژه های عمرانی
- ۳- بهبود قیمت جهانی نفت و به تبع آن افزایش حجم صادرات نفتی و غیر نفتی کشور
- ۴- افزایش چشمگیر حجم واردات.
- ۵- ارائه طرحهای جدید بیمه ای از قبیل انواع بیمه های اتومبیل، عمر، حادثه کارکنان دولت و.....

طی دوره ۱۳۷۰-۱۳۵۰ متوسط حق بیمه سرانه ۸۹۱/۵ ریال و حداقل و حداکثر آن به ترتیب ۱۵۰/۶ ریال (در سال ۱۳۵۰) و ۲۷۱۵/۳ ریال (در سال ۱۳۷۰) می باشد.

طی سالهای ۱۳۸۱-۱۳۷۱ حق بیمه سرانه سید سعودی رو به تزایدی داشته و متوسط حق بیمه سرانی طی این دوره ۴۵۱۷۴/۲ ریال می باشد که در دامنه ای بین ۳۷۶۷ ریال (در سال ۱۳۷۱) و ۱۳۸۸۰۸ ریال (در سال ۸۱) نوسان نموده است.

اگر چه شاخص حق بیمه سرانه بعنوان یکی از ابزارهای اندازه گیری رشد صنعت بیمه در هر کشور شناخته می شود و در سطح جهانی با تبدیل به ارزشهای بین المللی، سطح رشد بیمه را در کشورهای مختلف نشان می دهد لیکن در سطح ملی این شاخص تحت تأثیر عواملی مثل تورم و کاهش ارزش پول قرار دارد. بنابراین رشد این شاخص (به پول ملی) را نمی توان نشانه رشد بیمه در جامعه به حساب آورد. بهمین جهت در کنار این شاخص از معیار دیگری بنام نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی (شاخص نفوذ بیمه ای) استفاده می گردد. این نسبت از تقسیم کل حق بیمه دریافتی به تولید ناخالص داخلی بدست می آید و نشان می دهد که صنعت بیمه چه نقشی در تولید ناخالص کشور ایفا کرده و چه سهمی از آنرا بر عهده دارد. بدین لحاظ مبنای قابل اطمینان تری جهت اندازه گیری میزان رشد بیمه و نیز مقایسه آن



با دیگر کشورها بدست می دهد و بعنوان کار اترین شاخص ارزیابی فعالیت بیمه در تمام کشورها مورد استفاده قرار می گیرد.

جدول و نمودار پیوست نشان می دهد که شاخص نفوذ بیمه ای با نوسانات زیادی طی دوره ۱۳۸۱-۱۳۵۰ همراه بوده است. این شاخص در سال ۱۳۵۵ به نقطه اوج خود و طی دوره ۷۰-۱۳۵۰ میرسد. (۰/۵۶ درصد) این شاخص طی سالهای ۵۶-۵۷ با نوسان ملایمی همراه است اما در سال ۱۳۵۸ به شدت سقوط می کند به طوری که از ۰/۵۳ درصد در سال ۵۷ به ۰/۳۵ درصد در سال ۵۸ کاهش می یابد و علی رغم نوسان مربوط به سالهای ۶۱-۵۹، سیرنزولی مداوم خود را تا سال ۶۷ ادامه میدهد. در این سال این شاخص به حداقل خود یعنی ۰/۲۱، درصد طی دوره ۷۰-۱۳۵۰ میرسد و از آن پس مجدداً رو به افزایش می رود. بنحو در سال ۱۳۷۹ که علی رغم رشد ۳/۳۵ درصدی حق بیمه های دریافتی صنعت بیمه بدلیل تغییر در روش محاسبه تولید ناخالص داخلی (GDP) این شاخص کاهش نشان می دهد.

آنچه در اینجا مورد توجه است آنست که در سال ۱۳۵۴ نسبت حق بیمه دریافتی به تولید ناخالص داخلی معادل ۰/۵۶ درصد است و ما تازه بعد از ۲۲ سال یعنی در سال ۱۳۷۷ به آن نسبتی که در سال ۵۴ داشتیم رسیدیم. علت هم این است که در ۱۰ سال منتهی به سال ۶۷ فعالیت بیمه ای رونق چندانی نداشت. هم چنین در سال ۱۳۸۱، شاخص نفوذ بیمه ای به ۱/۰۲ درصد افزایش یافته و برای اولین بار از مرز ۱ درصد عبور کرده است.

جدول (۱-۲-۲) آمار شاخصهای ارزیابی فعالیت صنعت در دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۱

سال	حق بیمه سرانه (ریال)	نسبت حق بیمه به GDP (درصد)	سال	حق بیمه (ریال)	نسبت حق بیمه به GDP (درصد)
۵۰	۱۵۰/۶	۰/۴۹	۶۶	۸۴۲/۴	۰/۲۲
۵۱	۱۸۳/۱	۰/۴۹	۶۷	۸۶۹	۰/۲۱
۵۲	۲۶۰	۰/۴۹	۶۸	۱۲۳۳/۵	۰/۲۵
۵۳	۵۱۸/۵	۰/۵۵	۶۹	۱۸۹۸/۷	۰/۳
۵۴	۵۶۳/۸	۰/۵۶	۷۰	۲۷۱۵/۳	۰/۳۴
۵۵	۷۴۰	۰/۵۶	۷۱	۳۷۶۷	۰/۳۴
۵۶	۷۵۷/۵	۰/۵۱	۷۲	۶۴۳۷	۰/۳۹
۵۷	۷۵۲/۳	۰/۵۳	۷۳	۸۳۰/۶	۰/۳۹
۵۸	۵۶۶/۸	۰/۳۵	۷۴	۱۵۰۳۵	۰/۴۸
۵۹	۶۸۸/۸	۰/۴۲	۷۵	۲۱۰۸۳	۰/۵۳
۶۰	۶۶۲/۲	۰/۳۵	۷۶	۲۵۳۰۹	۰/۵۵
۶۱	۹۶۵/۸	۰/۴	۷۷	۳۲۶۵۷	۰/۶۲
۶۲	۱۰۲۴/۵	۰/۳۵	۷۸	۴۷۸۵۳	۰/۷۲
۶۳	۸۶۴/۷	۰/۲۸	۷۹	۶۳۶۰۰	۰/۷
۶۴	۸۶۴/۳	۰/۲۷	۸۰	۸۸۸۸۷	۰/۸۷
۶۵	۷۴۸/۹	۰/۲۴	۸۱	۱۳۸۸۰۸	۱/۰۲

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1  
Directory:  
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application  
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm  
Title:  
Subject:  
Author: yas  
Keywords:  
Comments:  
Creation Date: 3/18/2012 11:30:00 PM  
Change Number: 1  
Last Saved On:  
Last Saved By: hadi tahaghoghi  
Total Editing Time: 0 Minutes  
Last Printed On: 3/18/2012 11:30:00 PM  
As of Last Complete Printing  
Number of Pages: 42  
Number of Words: 7,289 (approx.)  
Number of Characters: 41,551 (approx.)